



شرکت بورس کالای ایران

(سهامی عام)

نقش بورس های کالا

در بهبود عملکرد و توسعه اقتصاد

معاونت اقتصادی و پشتیبانی

مدیریت مطالعات اقتصادی، برنامه ریزی و آموزش

آبان ماه سال ۱۳۸۷

نشریه علمی اقتصاد

عنوان گزارش:

نقش بورس های کالا در بهبود عملکرد و توسعه اقتصاد

تهیه کننده:

مدیریت مطالعات اقتصادی، برنامه ریزی و آموزش

ناشر:

شرکت بورس کالای ایران

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

انتشار: آبان ماه سال ۱۳۸۷

فهرست مطالب

شماره‌ی صفحه

عنوان

- الف < پیش‌گفتار
- ۱ < پیامدهای اقتصادی ناشی از نوسان قیمت‌ها
- ۴ < روش‌های سنتی مدیریت ریسک ناشی از نوسان قیمت‌ها
- ۸ < بورس‌های کالا و ابزارهای مالی مشتقه
- ۱۴ < کارکردهای بورس‌های کالا در بهبود عملکرد و توسعه اقتصاد
- ۱۸ < جمع‌بندی و سخن آخر

پیش نوشتار

بورس های کالا و ابزارهای نوین مالی مورد استفاده در آنها را می توان آخرین زنجیره از فرآیند گسترش و توسعه بازارها دانست که در پاسخ به نیاز اقتصاد به افزایش شفافیت و اطلاع رسانی، مدیریت ریسک های ناشی از نوسان قیمت ها، سازماندهی بازارها در جهت ارتقاء کارایی و به بیان خلاصه کاهش هزینه های مبادله، ظهور یافته اند. اگرچه خاستگاه بورس های مدرن کالا در کشورهایی است که هم اکنون توسعه یافته به شمار می روند، اما اهمیت این نهادهای اقتصادی در کشورهای در حال توسعه به خوبی درک شده و فرآیند پذیرش و گسترش آنها به سرعت در حال پیشرفت است، به گونه ای که هم اکنون از نظر میزان معاملات، تعداد ۹ بورس از بین ۲۲ بورس برتر جهان در کشورهای در حال توسعه ای چون هند، چین، مالزی، آفریقای جنوبی و برزیل قرار دارند. همچنین آمارهای موجود حاکی از رشد میزان معاملات در بورس های کالا در کشورهای در حال توسعه با سرعتی معادل ۲ برابر بورس های کشورهای توسعه یافته است.

در کشور جمهوری اسلامی ایران اولین گام برای ایجاد بورس های کالایی با فراهم شدن مقدمات لازم در قانون برنامه پنج ساله سوم برداشته شد و بورس های فلزات و کشاورزی به ترتیب در سال های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ راه اندازی شدند. فرآیند تحول و تکامل بازار سرمایه در کشور با تصویب قانون جدید بازار اوراق بهادار در آذر ماه سال ۱۳۸۴ تداوم یافت و منجر به ادغام بورس های فلزات و کشاورزی و شکل گیری بورس کالای ایران گردید. در حال حاضر بورس کالای ایران به عنوان تنها بورس کالای کشور وظایف بسیار مهمی را در بهبود عملکرد و تسهیل فرآیند توسعه اقتصادی بر عهده دارد و استمرار فعالیت

موفق آن می‌تواند زمینه ساز تحولاتی چشمگیر در اقتصاد کشور باشد. بخصوص در شرایط کنونی که جهت‌گیری‌های کلی اقتصاد کشور در قالب سند چشم‌انداز، برنامه‌های توسعه و طرح تحول اقتصادی به سمت کاهش تصدی‌گری دولت و آزادسازی اقتصاد، و آماده‌سازی فضای کسب و کار برای فعالیت بخش خصوصی می‌باشد، نقش بورس کالا در تحقق این اهداف بیش از پیش اهمیت می‌یابد.

در این گزارش نقش بورس‌های کالا در بهبود عملکرد و تسهیل فرآیند توسعه اقتصادی به اختصار از دیدگاه نظری و با توجه به شواهد تجربی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مروری بر این کارکردها ما را به درک کاملتری از ملزومات آزادسازی اقتصاد و ویژگی‌های یک اقتصاد مبتنی بر بازار هدایت می‌کند. بدون گسترش و تکامل این نهادها و افزایش نقش و جایگاه آنها در اقتصاد یک کشور نمی‌توان چندان به توفیق سیاست‌هایی که اصلاح ساختار اقتصاد را هدف قرار داده‌اند، امیدوار بود. با توجه به این کارکردها جایگاه واقعی بورس کالای ایران در اقتصاد کشور و لزوم توجه به توسعه و تکامل آن در نیل به اهداف رشد و توسعه اقتصادی آشکار می‌شود.

نقش بورس‌های کالا در بهبود عملکرد و توسعه اقتصاد

توسعه اقتصادی جنبه‌های متعددی دارد و طیف وسیعی از مفاهیم کمی و کیفی را شامل می‌شود. با وجود اختلاف نظرهای فراوان در تبیین ابعاد توسعه، در این خصوص اجماع نظر وجود دارد که رشد اقتصادی پایدار، محیط اقتصادی با ثبات و افزایش اندک قیمت کالاها و خدمات از مؤلفه‌های اصلی توسعه اقتصادی به شمار می‌روند. به جرأت می‌توان گفت، توسعه اقتصادی آرمان تمامی کشورهای جهان است و هیچ کشوری را نمی‌توان یافت که به فراخور نیازها و استعدادهای خود به هموار کردن مسیر توسعه اقتصادی اهتمام نوزد. از این رو راه‌های نیل به توسعه اقتصادی پایدار و سیاست‌هایی که بتوانند حرکت در این مسیر را تسریع کنند، همواره موضوع بحث و مورد تحقیق و بررسی بوده و ابزارها و نهادهای اقتصادی که به روش‌های مختلف بتوانند جامعه را در مسیر توسعه رهنمون شوند، مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این گزارش نقش بورس‌های کالا و مزیت بهره‌گیری از آن‌ها نسبت به سیاست‌ها و روش‌های جایگزین در بهبود عملکرد اقتصاد و تسهیل فرآیند توسعه با پرداختن به جنبه‌های نظری و مرور تجربیات موجود، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- پیامدهای اقتصادی ناشی از نوسان قیمت‌ها

افزایش اندک و نوسان کم قیمت کالاها و خدمات، رشد اقتصادی باثبات و پایدار، ارتقاء سطح رفاه اجتماعی و تسریع فرآیند توسعه اقتصادی را در پی خواهد داشت. در **سطح کلان** نوسان قیمت‌ها اثرات مخربی چون کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری، کاهش رشد اقتصادی و در نهایت کاهش سطح رفاه جامعه را به دنبال دارد. به همین دلیل است که کنترل نوسان و پایین نگه داشتن رشد



سطح عمومی قیمت‌ها ضمن در نظر داشتن سایر اهداف کلان اقتصادی نظیر بالا بردن سطح تولید، به عنوان هدف اصلی از سوی سیاستگذاران در بسیاری از کشورها دنبال می‌شود.

در سطح خرد نیز اثرات مخرب تغییرات پیش‌بینی نشده در قیمت‌های نسبی، عاملی ضد تولید و رفاه شناخته می‌شود و همواره توجه عوامل اقتصادی را به خود معطوف کرده است. مثال بارز در این خصوص نوسان ادواری قیمت محصولات کشاورزی در طی سال است. در فصل برداشت، میزان عرضه در بازار بر تقاضای فزونی می‌یابد و کشاورزان جهت ترغیب مصرف‌کنندگان برای خرید بیشتر، قیمت‌های خود را کاهش می‌دهند. این در حالی است که در فصل بهار و زمانی که بخش عمده تولیدات سال گذشته مصرف شده است، محدودیت عرضه، قیمت‌ها را به شدت افزایش می‌دهد. این تغییرات ادواری در بین سال‌های مختلف نیز اتفاق می‌افتد. بدین ترتیب که قیمت‌های بالا در یک سال منجر به تمایل به افزایش تولید می‌شود که نتیجه آن تولید بیش از نیاز در سال آینده و کاهش شدید قیمت و زیان کشاورزان است. این پدیده که در اقتصاد به پدیده تار عنکبوتی معروف است، بیانگر یکی از سازوکارهای متعددی است که تغییرات پیش‌بینی نشده قیمت‌ها از طریق آنها رفاه عوامل اقتصادی را متأثر می‌کند.

تولید فرآیندی زمان‌بر است و تصمیم‌گیری در خصوص میزان تولید و سرمایه‌گذاری به انتظارات تولیدکنندگان نسبت به درآمدها و هزینه‌هایشان بستگی دارد. هرچه این انتظارات با اطمینان بیشتری شکل بگیرد، اعتماد نسبت به فضای کسب و کار افزایش یافته و تمایل به سرمایه‌گذاری تقویت می‌شود. به عبارت دیگر، وجود اطمینان نسبی در خصوص درآمدها و هزینه‌های یک طرح کسب و کار، افزایش تمایل به سرمایه‌گذاری را در پی دارد. چرا که وقتی یک سرمایه‌گذار نسبت به هزینه‌های یک فرآیند تولیدی و درآمدهای

حاصل از آن بی اعتماد است، نمی‌تواند انتظارات خود را نسبت به سود مورد نظر از اجرای طرح‌های تولیدی به درستی شکل دهد. بی‌ثباتی قیمت‌ها با افزایش عدم اطمینان نسبت به سوددهی طرح‌های تولیدی، تمایل به سرمایه‌گذاری را تضعیف می‌کند. مثلاً سرمایه‌گذاری که به احداث کارخانه نورد فولاد می‌اندیشد، هرچه نسبت به قیمت مواد اولیه (شمش فولاد و...) و همچنین قیمت کالای تولید شده مطمئن‌تر باشد، می‌تواند با تمرکز بیشتری به مدیریت و توسعه فرآیند تولید خود بپردازد. اما در صورتی که قیمت مواد اولیه به طور غیرمنتظره افزایش یافته و یا به هنگام عرضه محصولات در بازار، قیمت کالاهای تولیدی به یکباره کاهش یابد، ممکن است کل فرآیند تولید زیان ده شود. بدین ترتیب نوسان قیمت‌ها، هم تمایل سرمایه‌گذاران در خصوص سرمایه‌گذاری جدید یا توسعه واحدهای تولیدی را کاهش می‌دهد و هم با ارسال علایم نادرست به عوامل اقتصادی، مانع از شکل‌گیری سطوح بهینه موجودی سرمایه در بخش‌های مختلف می‌شود.

فعالان عرصه **تجارت خارجی** نیز از مشکلات ناشی از نوسان قیمت‌ها در امان نیستند. توفیق در افزایش صادرات و گسترش بازارهای هدف، نیازمند عرضه کالاها با سطح کیفی قابل قبول و قیمت‌های با ثبات و رقابتی است. با وجود بی‌ثباتی قیمت کالاها (در نتیجه بی‌ثباتی قیمت‌های داخلی) صادرکنندگان به سرعت توان رقابت و فعالیت در بازارهای جهانی و در نتیجه طرف‌های تجاری خود را از دست می‌دهند. لذا توان صادراتی یک کشور که به صورت مستقیم و غیر مستقیم بخش‌های تولیدی و بازارهای سرمایه و پول را متأثر می‌سازد، از بی‌ثباتی قیمت‌ها به شدت آسیب می‌بیند. فرآیند واردات کالاها نیز از نوسان قیمت در بازارهای داخلی متأثر می‌شود. مثلاً نگرانی نسبت به کاهش قیمت در خلال زمان سفارش و ورود کالا به کشور، در انگیزه واردکنندگان کالا اثر نامطلوبی بر جای می‌گذارد.



دولت نیز به نوبه خود از نوسان قیمت‌ها متضرر می‌شود. اکثر دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه، به درآمدهای حاصل از فروش کالاها متکی هستند. به علاوه، منبع دیگر درآمدهای دولت (مخصوصاً در کشورهای توسعه یافته) مالیات است که به طور مستقیم به سطح درآمد و فعالیت‌های اقتصادی بستگی دارد. از طرف دیگر در بسیاری از کشورهای در حال توسعه (بخصوص کشورهای نفت خیز)، دولت خود یک مصرف‌کننده عمده کالاها و خدمات محسوب می‌شود، لذا نوسان قیمت کالاها، هزینه‌های دولت را نیز متأثر می‌کند. همچنین اثرات مخرب نوسان قیمت‌ها بر تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان (به شرحی که قبلاً بیان شد) منجر به افزایش منابع مالی مورد نیاز برای اعمال سیاست‌های حمایتی و وارد شدن فشار مضاعف بر بودجه دولت می‌شود. بنابراین نوسان قیمت‌ها، بی‌ثباتی در منابع و مصارف، **بی‌انضباطی مالی** و در نهایت **کسری بودجه** دولت را به دنبال دارد.

بطور خلاصه، بی‌ثباتی قیمت‌ها با اثرات مخربی که بر بخش‌های مختلف اقتصاد بر جای می‌گذارد، به تضعیف توان تولیدی اقتصاد می‌انجامد و در نهایت افت شاخص‌های مهم اقتصادی را در پی دارد. برای مقابله با اثرات مخرب نوسان قیمت‌ها در جوامع مختلف، روش‌ها و سیاست‌های گوناگونی اتخاذ و اجرا شده است که در ادامه به معرفی این راهکارها و بررسی میزان توفیق آنها بر مبنای تجارب موجود پرداخته می‌شود. مرور سیر تحولات این حوزه، ما را به روش‌های نوین و کارآمدتری در مواجهه با اثرات منفی نوسان قیمت‌ها رهنمون خواهد شد.

۲- روش‌های سنتی مدیریت ریسک ناشی از نوسان قیمت‌ها

تلاش‌های صورت گرفته در مقابله با اثرات منفی نوسان قیمت کالاها را می‌توان در چند گروه کلی به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

۲-۱) **نگهداری ذخایر احتیاطی:** در این روش دولت با احداث انبار و سیلو به نگهداری کالاها (مخصوصاً کالاهای ضروری مانند محصولات کشاورزی) اقدام می‌کند تا در زمان افزایش قیمت‌ها بتواند از محل این ذخایر به نیاز بازار پاسخ دهد. واضح است که این روش نیازمند ایجاد ابنیه و تجهیزات گسترده انبارداری است. به علاوه، صرف نظر از هزینه‌های انبارداری (در برخی موارد لازم است تا محصولات سال‌ها در انبار بمانند) و هزینه‌های حمل و نقل کالا به انبار و بالعکس از انبار به بازار، مسأله اساسی این است که برخی از کالاها اصلاً قابلیت انبار شدن ندارند و یا در صورت برخورداری از این قابلیت، با طولانی شدن دوره انبارداری، از بین رفته و یا از کیفیت آن‌ها کاسته می‌شود. روش نگهداری ذخایر احتیاطی اولین بار به دنبال بی‌ثباتی‌های وسیع اقتصادی در دهه ۱۹۳۰ مطرح شد. در این سال‌ها پیشنهاد ایجاد یک سیستم ذخایر احتیاطی که به معنای انبار کردن کالاهای ضروری برای مقابله با نوسان قیمت‌ها بود، ارایه گردید. البته این پیشنهاد شامل ایجاد یک نظام تأمین مالی مرکزی به منظور جبران ضرر و زیان تولیدکنندگان در اثر بی‌ثباتی قیمت‌ها نیز بود. نیم قرن بعد پیشنهاد مذکور دوباره احیاء شد و به تصویب طرحی در سال ۱۹۷۵ از سوی آنکتاب^۱ تحت عنوان "طرح جامع کالاها"^۲ برای ۱۰ کالای اساسی قابل ذخیره انجامید که مبتنی بر روش انبارداری کالاهای اساسی بود. البته به مرور زمان مشکلات این روش مدیریت ریسک قیمت‌ها، آشکار شده و به تدریج کنار گذاشته شد. در مجموع سیستم نگهداری ذخایر احتیاطی به دلیل هزینه‌های بالا و در برخی موارد امکان پذیر نبودن آن، روش مناسبی برای کنترل نوسان قیمت‌ها محسوب نمی‌شود، اگرچه ممکن است در موارد معدودی توجیه پذیر باشد.

۲-۲) **سیستم جبران زیان‌های ناشی از نوسان قیمت‌ها:** در این روش زمانی که تولیدکنندگان (و بیشتر کشاورزان) به دلیل نوسان قیمت‌ها متضرر می‌شوند، دولت با تخصیص اعتبار لازم تا حدودی زیان آنها را جبران کرده و

2 - UNCTAD

1 - Integrated Program for Commodities



مانع از کاهش شدید قدرت خرید آنها می‌گردد. این روش مقابله با ریسک، بعد از جنگ جهانی دوم در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار گرفت. مشکل این سیستم آن است که دولت‌ها در هنگام نوسان قیمت‌ها، در حالی که به اعتبارات زیادی برای اجرای این طرح نیاز دارند، به لحاظ مالی در تنگنا قرار می‌گیرند، لذا تداوم این سیاست‌ها در بلندمدت (و حتی برخی مواقع در کوتاه مدت) با چالش‌های متعددی مواجه است. یکی از معروفترین طرح‌ها برای جبران ضرر و زیان ناشی از نوسان قیمت‌ها، طرحی موسوم به استابکس^۱ بود که توسط اتحادیه اروپا به اجرا گذاشته شد. شواهد بدست آمده حاکی از آن است که کشورهای آن که از این روش برای مقابله با نوسان قیمت کالاها استفاده کرده‌اند، با مشکلات عدیده‌ای مانند بی‌نظمی‌های مالی، کسری بودجه شدید، بدهی‌های داخلی و خارجی، رشد بسیار زیاد نقدینگی و ... مواجه شده‌اند. طرح استابکس در نهایت به دلیل همین مشکلات در سال ۲۰۰۰ دچار تغییرات بنیادینی شد و نسبت به الگوی اولیه آن به طور اساسی تغییر کرد.

۲-۳) توافقنامه‌های بین‌المللی: از دهه ۱۹۵۰، برخی دولت‌ها وظیفه مدیریت بازار کالاها از طریق مبادله توافقنامه‌های بین‌المللی را بر عهده گرفتند. با حمایت‌های سازمان ملل، ۵ توافقنامه بین‌المللی کالا توسط کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده به امضاء رسید که عبارت بودند از: توافقنامه بین‌المللی شکر در سال ۱۹۵۴، توافقنامه قلع در سال ۱۹۵۴، توافقنامه قهوه در سال ۱۹۶۲، توافقنامه کائو در سال ۱۹۷۱ و توافقنامه کائوچوی طبیعی در سال ۱۹۸۰. به طور کلی، هدف این توافقنامه‌ها مقابله با نوسان قیمت‌ها با در نظر گرفتن ذخایر احتیاطی به منظور جبران اثرات کاهش رابطه مبادله^۲ و مدیریت عرضه بود. توافقنامه‌های بین‌المللی در تطبیق با تغییرات بازار منعطف

۱- STABEX: این طرح با هدف تثبیت درآمدهای صادراتی کشورهای ACP از محل کالاهای کشاورزی و کاهش اثرات مخرب آن در سال ۱۹۷۵ معرفی گردید.

۲- Term of Trade: رابطه مبادله از تقسیم شاخص قیمت صادرات بر شاخص قیمت واردات حاصل شده و برای سنجش ارزش صادرات یک کشور در مقابل واردات آن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نبودند و تا سال ۱۹۹۶ تمامی آنها به عنوان قربانیان اقتصاد آزاد با شکست مواجه شدند.

۲-۴) طرح‌های تثبیت قیمت: دولت‌ها برخی اهداف تثبیت قیمت‌ها را نیز دنبال می‌کنند. اهداف و ابزارهای تثبیت قیمت متنوع هستند، اما می‌توان آنها را در چهار گروه کلی طبقه‌بندی کرد: (۱) تثبیت بین فصلی قیمت‌ها، به این معنی که قیمت‌های زمان برداشت محصول قبل از فصل کشت اعلام می‌شود تا کشاورزان جهت تخصیص بهتر منابع خود برنامه‌ریزی موثری داشته باشند؛ (۲) تثبیت درآمد تولیدکنندگان طی سال‌های متوالی؛ (۳) تثبیت بین سالی قیمت‌ها جهت کنترل سطح عمومی قیمت‌ها و یا حفظ قدرت خرید مصرف‌کنندگان و (۴) تثبیت درآمدهای صادراتی به منظور کاهش نوسان درآمدهای دولت و یا نرخ ارز. طرح‌های تثبیت قیمت، اغلب ناموفق و در بیشتر مواقع غیر ضروری بوده‌اند. این سیاست‌ها که قیمت‌ها را در سطحی پایین تر از قیمت تعادلی بازار نگه می‌دارند، به ایجاد مازاد تقاضا منجر شده و بدین ترتیب کالاهای محدود باید بین متقاضیان بیشتری تقسیم شود که معمولاً برای این منظور از راهکارهای غیربازاری از قبیل جیره بندی استفاده می‌شود. سیاست‌های تثبیت قیمت عمدتاً باعث اتلاف منابع شده و به دلیل ایجاد رانت‌های اقتصادی منجر به ایجاد شکاف درآمدی و به خطر افتادن عدالت اقتصادی می‌گردند.

۲-۵) ساز و کارهای غیر رسمی برای مدیریت ریسک قیمت: در برخی موارد تولیدکنندگان برای در امان ماندن از اثرات نوسان قیمت‌ها، اقداماتی مانند تنوع بخشی به محصولات، تشریک مساعی در وظایف و تعهدات دیگر تولیدکنندگان و بیمه‌های غیر رسمی به عمل می‌آورند که این سازوکارها معمولاً کارساز نبوده و فاقد ضمانت اجرایی هستند، مضاف بر اینکه به هنگام کاهش قیمت‌ها به طور معمول تمامی تولیدکنندگان متضرر می‌شوند و حتی اگر

بخواهند به تعهدات خود عمل کنند، عملاً توانایی انجام آن را نخواهند داشت. به طور خلاصه، تجربیات موجود حاکی از آن است که روش‌های مذکور در بلند مدت پاسخ گوی نیاز جامعه به مدیریت ریسک نبوده و برخی از آنها حتی در کوتاه مدت نیز از کارایی قابل قبولی برخوردار نیستند. اگرچه حمایت از فعالان اقتصادی در برخی شرایط توجیه پذیر است و به طرق مختلف حتی در کشورهای توسعه یافته نیز وجود دارد، اما موضوع اصلی این است که روش‌های فوق بسیار پرهزینه و در بسیاری از موارد در برآوردن اهدافشان ناموفق بوده اند. لذا روش‌های سنتی تنها در موارد معدود و تحت شرایط خاصی توجیه پذیر هستند.

جستجو برای روش‌های کارآمدتر که کاستی‌های فوق را نداشته باشند، به طور پیوسته در کانون توجه اقتصاددانان و همچنین نظریه پردازان بازارهای کالا قرار داشته است. در نتیجه این تلاش‌های مستمر، امروزه در جوامع توسعه یافته و به طور روزافزون در کشورهای در حال توسعه راهکارهایی مورد استفاده قرار می‌گیرند که ضمن توفیق در مقابله با اثرات نوسان قیمت‌ها، به عنوان بازوی توانمند اقتصاد در مسیر رشد و توسعه اقتصادی عمل می‌نمایند. این راهکارها به طور اعم، بهره‌گیری از ابزارهای مبتنی بر بازار و به طور اخص، استفاده از ابزارهای مالی مشتقه در بورس‌های کالایی می‌باشند.

۳- بورس‌های کالا و ابزارهای مالی مشتقه^۱

پیش از آنکه به ابزارهای مبتنی بر بازار و نقش بورس‌های کالایی در مدیریت ریسک ناشی از نوسان قیمت کالاها پردازیم، لازم است تا با بورس‌های کالا و ابزارهای نوین معاملاتی در آنها، یعنی ابزارهای مالی مشتق کالایی^۲ به طور خلاصه آشنا شویم.

1 - Derivatives

2 - Commodity Derivatives

۳-۱) بورس‌های کالا و نحوه انجام معاملات در آن‌ها

بورس‌ها نهادهای قانونمند و رسمی هستند که خریداران و فروشندگان با انگیزه‌های مختلف (از قبیل پوشش ریسک^۱، سفته بازی^۲ و واسطه‌گری^۳) در محدوده بازارهای ایجاد شده در آن بورس‌ها به انجام معامله می‌پردازند. برای انجام معاملات در بورس‌ها، لازم است خریداران و فروشندگان به کارگزاری‌های فعال در بورس مراجعه نمایند. کارگزار یک شخص حقوقی است که اوراق بهادار را برای دیگران و به حساب آنها معامله می‌کند^۴. اوراق بهادار هر نوع ورقه یا مستندی است که متضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک عین یا منفعت آن باشد^۵. معامله در بورس‌های کالا در قالب اوراق بهادار انجام می‌شود. کارگزاران به نمایندگی از خریداران و فروشندگان درخواست‌های خرید و فروش را پس از تأیید بورس، در تالار معاملات بورس ارایه می‌کنند. قیمت مورد توافق خریداران و فروشندگان با تقابل عرضه و تقاضا در تالار و تحت نظارت بورس (به منظور جلوگیری از هر نوع دستکاری در قیمت‌ها) کشف می‌شود. پس از تحقق معاملات و بر مبنای قیمت‌های کشف شده، تمامی نقل و انتقالات مرتب بر معاملات، توسط اتاق پایاپای بین خریداران و فروشندگان انجام می‌شود.

اتاق پایاپای^۶ از مهمترین بخش‌های هر بورس محسوب می‌شود که دو وظیفه اصلی بر عهده دارد:

وظیفه اول: ایفای نقش طرف مرکزی^۷ معاملات: اتاق پایاپای به نمایندگی از بورس، مسوول ایفای کلیه تعهدات یک طرف معامله در قبال طرف دیگر می‌باشد. مثلاً بدون توجه به اینکه آیا فروشنده به تعهدات خود عمل می‌کند یا خیر، اتاق پایاپای ضمن نظارت بر حسن اجرای مفاد قراردادهای منعقد، تمامی تعهدات فروشنده در قبال خریدار شامل کیفیت، زمان و مکان تحویل کالا و... را پذیرفته و آن‌ها را ایفاء می‌نماید و به همین ترتیب در مورد خریدار. نتیجه مهم

۵- همان منبع.

۶ - Clearing House
۷ - Central Counterparty

۱ - Hedge
۲ - Speculation
۳ - Arbitrage

۴ - قانون بازار اوراق بهادار، مصوب آذر ماه سال ۱۳۸۴، فصل اول.



این کار ایجاد اطمینان نسبت به معاملات در بورس می باشد.

وظیفه دوم: تضمین صحت انجام معاملات از طریق اخذ وثایق لازم:

اتاق پایاپای به منظور کنترل ریسک ناشی از نکول (عدم ایفای تعهدات) هر یک از طرفین معامله، اقدام به دریافت وثیقه از کارگزاری‌ها کرده و آن‌ها نیز به نوبه خویش با توجه به میزان اعتبار مشتریان خود، وثایق لازم را از آنها اخذ می نمایند.

بدین ترتیب، با توجه به جمع شدن حجم بالا عرضه و تقاضا و تقابل مستقیم خریداران و فروشندگان در بورس و عملکرد اتاق پایاپای، کلیه معاملات در بورس‌ها با قیمت‌های شفاف و منصفانه و با حداکثر اطمینان نسبت به ایفای تعهدات انجام می شود. به علاوه، بورس‌ها از طریق فراهم ساختن امکان استفاده از ابزارهای معاملاتی از قبیل قراردادهای آتی و اختیار، این امکان را برای عوامل اقتصادی فراهم می کنند که ریسک ناشی از نوسانات قیمت را در معاملات خود پوشش دهند. با توجه به اینکه در این قراردادها بر روی قیمت مورد معامله در زمان آینده توافق می شود، با استفاده از این معاملات امکان پوشش ریسک ناشی از نوسان قیمت‌ها به وجود می آید.

۳-۲) ابزارهای مالی مشتق کالایی

ابزارهای مالی مشتقه قراردادهایی هستند که ارزش آنها از ارزش دارایی پایه مورد معامله با این ابزارها مشتق می شود. این قراردادها به دو گروه اصلی شامل قراردادهایی که در بورس‌ها معامله می شوند و قراردادهایی که در بازارهای خارج از بورس^۱ مورد معامله قرار می گیرند، تفکیک می شوند. متداول ترین این ابزارها عبارتند از:

الف) قراردادهای آتی^۲: قرارداد آتی قراردادی است که دارنده آن متعهد می شود تا دارایی موضوع قرارداد را به قیمت معین که در زمان معامله روی

1 - Over-The-Counter

2 - Futures Contracts

آن توافق می‌شود، در آینده خریداری کرده و یا بفروشد. ویژگی اصلی قرارداد آتی استاندارد بودن آن است، بدین معنی که کمیت، کیفیت و خصوصیات فنی دارایی پایه و تاریخ و محل تحویل آن باید معین و استاندارد باشد. این قراردادها صرفاً در بورس‌های کالا قابل مبادله هستند و قیمت دارایی موضوع آن‌ها با رقابت بین خریداران و فروشندگان کشف می‌شود.

ب) قراردادهای اختیار^۱: قراردادهای اختیار به دو دسته تقسیم می‌شوند:
دسته اول: اختیار خرید که به خریدار این حق را می‌دهد که دارایی پایه را با قیمت معین و در تاریخ مشخص (سررسید قرارداد) یا قبل از آن خریداری کند.

دسته دوم: اختیار فروش که به خریدار این حق را می‌دهد که دارایی پایه را با قیمت معین و در تاریخ مشخص (سررسید قرارداد) یا قبل از آن به فروشنده اختیار بفروشد.

تعریف بالا برای قراردادهای اختیار به قرارداد آمریکایی^۲ معروف است. در قرارداد اختیار اروپایی^۳ دارنده آن فقط در زمان سررسید می‌تواند آن را اعمال کند نه قبل از آن. برخی دیگر از انواع قراردادهای اختیار بر حسب زمان اعمال اختیار عبارتند از: اختیار برمودایی^۴ که دارنده آن صرفاً در تاریخ‌های معینی قبل از سررسید حق اعمال آن را دارد و قرارداد اختیار مرزی^۵ که اگر قبل از سررسید قیمت به سطح مشخصی برسد، این اختیار می‌تواند اعمال شود. قیمت اختیار مبلغی است که خریدار حاضر است برای بدست آوردن اختیار پرداخت کند. این معاملات نیز همچون معاملات آتی در بورس‌های کالا انجام می‌شوند.

ج) قراردادهای فوروارد^۶: قرارداد فوروارد قراردادی است که به موجب آن فروشنده متعهد می‌شود تا کالای با کیفیت و کمیت مشخصی را در قبال دریافت مبلغی معین در تاریخ مشخصی در آینده تحویل دهد. لازم به ذکر

1 - Option Contracts
2 - American Option
3 - European Option
4 - Bermudan Option

5- Barrier Option
6- Forward Contracts



است که تا تاریخ تحویل کالا هیچگونه وجهی رد و بدل نمی‌شود^۱. مبنای این قراردادهای مشابه قراردادهای آتی است، اما از برخی جنبه‌ها (نظیر استاندارد بودن، نحوه تعیین قیمت و...) با آنها متفاوتند. همچنین بر خلاف قراردادهای آتی و اختیار، قراردادهای فورواردر بازارهای فرا بورس (OTC) معامله می‌شوند و ریسک عدم ایفای تعهدات در این معاملات وجود دارد.

د) قرارداد سوآپ^۲: قرارداد سوآپ توافقی است بین دو طرف معامله برای معاوضه جریان آتی وجوه مربوط به بدهی‌ها یا دارایی‌ها. در این قرارداد باید تاریخ پرداخت و چگونگی محاسبه جریان وجوه مشخص شود. مثلاً دو شرکت (الف) و (ب) را در نظر بگیرید. شرکت (الف) می‌تواند برای توسعه فعالیت‌های خود وامی را با نرخ بهره متغیر (مثلاً نرخ بهره وام‌های کوتاه مدت بانکی) دریافت نماید. از طرف دیگر شرکت (ب) به دلیل دسترسی به بازار اعتبارات می‌تواند همان وام را با نرخ بهره ثابت ۵ درصد در سال دریافت نماید. حال اگر مدیر شرکت (الف) ریسک گریز بوده و نگران تغییرات نرخ بهره باشد و مدیر شرکت (ب) ریسک‌پذیر باشد، این دو شرکت می‌توانند با یکدیگر یک قرارداد سوآپ نرخ بهره منعقد نمایند. به موجب این قرارداد، شرکت (الف) متعهد به پرداخت نرخ بهره ثابت ۵ درصد در سال شده و در مقابل شرکت (ب) نیز پرداخت نرخ بهره متغیر را تعهد می‌کند و بدین ترتیب پرداخت‌های مربوط، در زمان‌های مشخص و در طول دوره قرارداد انجام می‌شود. قرارداد فورواردر را می‌توان یک نمونه ساده سوآپ دانست با این تفاوت که قرارداد فورواردر منجر به معاوضه جریان نقدی فقط در یک تاریخ می‌شود، در حالی که قراردادهای سوآپ به معاوضه جریان نقدی در چندین زمان مختلف در آینده می‌انجامد.

۱- البته در بورس کالای ایران نوع دیگری از معاملات تحت عنوان معاملات سلف وجود دارد که در قالب آن تحویل کالا در زمان مشخصی در آینده و با قیمت معین منعقد می‌شود و تمام بهای آن هنگام انجام معامله پرداخت می‌گردد.

2 - Swap contract

۴- کارکردهای بورس‌های کالا در بهبود عملکرد و توسعه اقتصاد

بورس‌های کالا و ابزارهای مالی مشتق کالایی به طرق مختلف عملکرد اقتصادی را بهبود بخشیده و فرآیند توسعه آن را تسهیل می‌کنند که مهمترین آن‌ها به شرح زیر می‌باشند:

۴-۱) **فراهم کردن امکان مدیریت ریسک قیمت:** یکی از کارکردهای مهم بورس‌های کالا فراهم ساختن امکان پوشش ریسک می‌باشد که شاید دلیل اولیه ایجاد و گسترش بورس‌های کالا به شمار می‌رود. همانطور که بیان شد، نوسان‌های پیش‌بینی نشده در قیمت، اثرات مخربی در اقتصاد بر جای می‌گذارند و متأسفانه روش‌های سنتی در کنترل اثرات منفی ناشی از این نوسان‌ها عمدتاً ناموفق بوده‌اند. در بورس‌های کالا با استفاده از ابزارهای نوین معاملاتی از قبیل قراردادهای آتی و اختیار امکان ایجاد اطمینان نسبت به قیمت‌های آینده برای معامله‌گران فراهم می‌شود. مثلاً یک تولیدکننده که در خطوط تولید خود به شمش مس نیاز دارد می‌تواند با خرید مس در قالب قراردادهای آتی قیمت مواد اولیه مورد نیاز خود برای ماه‌ها و یا حتی سال‌های آینده را با اطمینان تعیین نماید و با خاطری آسوده به برنامه ریزی تولید بپردازد.

در فرآیند پوشش ریسک در بورس‌های کالا، این سایر معامله‌گران حاضر در بازار (یعنی سفته‌بازان) هستند که ریسک متقاضیان پوشش ریسک را می‌پذیرند، بنابراین در عمل فشاری از جهت تأمین منابع مالی آنگونه که در سیاست‌های سنتی از قبیل نگهداری ذخایر احتیاطی و سیستم جبران زیان‌های مالی وجود داشت، به دولت وارد نمی‌شود. به عبارت دیگر، در روش‌های سنتی، دولت ریسک فعالان اقتصادی را پذیرفته و تمامی زیان‌های احتمالی را در صورت تحقق متحمل می‌شود، در حالی که در روش‌های مبتنی بر بازار (با استفاده از ابزارهای مالی مشتقه) این عوامل اقتصادی هستند که ریسک یکدیگر را پوشش



می‌دهند. بدین ترتیب بورس‌های کالا روش‌های کارآ و پایداری برای پوشش ریسک فراهم می‌کنند.

۴-۲) کشف قیمت: کشف قیمت فرآیندی است که از طریق آن قیمت‌های صحیح و عادلانه کالاها از برآیند تقابل نیروهای عرضه و تقاضا تعیین می‌شود و یکی دیگر از رسالت‌های مهم بورس‌های کالا به شمار می‌رود. منافع اصلی حاصل از کشف قیمت در بورس‌های کالا عبارتند از:

الف) اعلام قیمت‌های منصفانه و واقعی کالاها: از آنجایی که قیمت کالاها از برآیند رویارویی نیروهای عرضه و تقاضا تعیین می‌شود، لذا قیمت بازار نشانگر تمامی اطلاعات در خصوص میزان عرضه و تقاضای موجود در بازار بوده و با حاکم شدن این قیمت‌ها در بازار، امکان انجام معامله برای تعداد بیشتری از خریداران و فروشندگان فراهم می‌شود و تعداد کمتری از آن‌ها ناگزیر به انجام معامله با قیمت‌های غیرمتعارف خواهند شد. مضاف بر اینکه با شکل‌گیری و اعلام قیمت در بورس‌ها، تمامی بخش‌ها و صنایع از این قیمت‌ها به عنوان قیمت مرجع منتفع می‌شوند. همچنین با توجه به اینکه قیمت کالاهای پایه و اساسی در بورس‌ها کشف می‌شود، این کار مقدمه تعیین قیمت زنجیره‌ای از سایر کالاها را فراهم می‌کند.

ب) عرضه گسترده اطلاعات بازار: عوامل اقتصادی تنها در صورتی می‌توانند تصمیمات صحیح و کارآمدی در خصوص تولید، سرمایه‌گذاری و مصرف اتخاذ کنند که با قیمت‌هایی مواجه باشند که معرف ارزش و وضعیت واقعی بازار کالاها هستند. در غیر این صورت قیمت‌هایی که تحت تأثیر نیروهای مختل کننده شرایط رقابتی قرار می‌گیرند، علائم نادرستی را به عوامل اقتصادی ارسال کرده و موجب اتخاذ تصمیماتی ناکارآمد در حوزه‌های تولید و سرمایه‌گذاری

می‌شوند. مثلاً اگر در یکی از صنایع به دلیل وجود بازارهای منطقه‌ای و عدم شفافیت اطلاعات، خریداران در موضعی قرار بگیرند که بتوانند قیمت یک کالا را به طور مصنوعی پایین نگه دارند، برنامه‌های تولیدکنندگان با مشکل مواجه شده و اثرات منفی بر طرح‌های سرمایه‌گذاری و تولید بر جای خواهد گذاشت. برعکس اگر قیمت‌ها توسط تولیدکنندگان به طور مصنوعی بالا نگه داشته شود، استفاده‌کنندگان منطقه‌ای کالا متضرر خواهند شد. به علاوه بورس‌ها نه تنها قیمت‌های مربوط به زمان حال را کشف و منتشر می‌کنند، بلکه قیمت‌های مربوط به زمان آینده را نیز در اختیار عوامل اقتصادی قرار می‌دهند که در نتیجه‌ی آن، تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری‌ها - که به تولید آینده مربوط می‌شود - با کارایی بیشتری صورت می‌پذیرد.

به علاوه، عرضه گسترده اطلاعات نه تنها عوامل اقتصادی را منتفع می‌نماید، بلکه این امکان را برای دولت‌ها فراهم می‌سازد تا با در اختیار داشتن اطلاعات صحیح و به موقع از شرایط اقتصادی و بازار کالاهای اساسی، در اتخاذ و پیگیری سیاست‌های اقتصادی به نحو کارآتری عمل نماید. کمبود اطلاعات موثق از شرایط اقتصاد همواره یکی از محدودیت‌های اصلی دولت‌ها در تشخیص مشکلات و تنگناهای اقتصادی و اتخاذ سیاست‌های صحیح و به موقع محسوب می‌شود و بورس‌های کالا با تولید و انتشار اطلاعات شفاف از بازارها، نقش مهمی در رفع این محدودیت‌ها ایفا می‌کنند.

۳-۴) فراهم کردن مکان مناسبی برای فعالیت سرمایه‌گذاران بازارهای مالی: بورس‌های کالا با ایجاد بستری مناسب برای انجام معاملات، مکانی مناسب و گزینه‌ای جذاب برای سرمایه‌گذاران بازارهای مالی محسوب می‌شوند. این بورس‌ها با فراهم کردن امکان استفاده از ابزارهای مالی مشتق کالایی، موجب افزایش تنوع و کاهش ریسک سبد دارایی‌های سرمایه‌گذاران می‌شوند. از آنجایی که تغییرات



ارزش دارایی پایه ابزارهای مالی مشتق کالایی، همبستگی ضعیفی با تغییرات قیمت سایر دارایی‌های مالی مانند اوراق بهادار دارد، با سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالی مشتق کالایی، ریسک کل سبد دارایی کاهش می‌یابد. لذا سرمایه‌گذاران بازارهای مالی تمایل زیادی به اختصاص بخشی از دارایی‌های خود به بورس‌های کالا نشان می‌دهند.

همچنین بورس‌های کالا به دلایلی مانند ریسک بسیار پایین نکول قراردادهای امکان نقد شوندگی زیاد اوراق بهادار مبتنی بر کالا و وجود قوانین و مقررات مصوب دولت و آیین‌نامه‌های داخلی بورس که محیطی بسیار نظام‌مند برای سرمایه‌گذاری به وجود می‌آورد، محل مطمئنی برای سرمایه‌گذاران به حساب می‌آید. لذا، بورس کالا می‌تواند بخش قابل توجهی از نقدینگی‌های موجود در جامعه را جذب نموده و در مسیری که خدمات ارزنده‌ای را به اقتصاد ارایه می‌کند، هدایت نماید.

۴-۴) کمک به توسعه بازارهای نقدی کالا: بورس‌های کالا علاوه بر انجام وظیفه پوشش ریسک قیمت‌ها، محل مناسبی برای انجام معاملات کالا به شمار می‌رود و به لحاظ وجود استانداردهای مدون و نظارت مستمر و دقیق بر آن‌ها، فعالیت این بورس‌ها به افزایش کیفیت کالاها و توان رقابت تولیدکنندگان در بازارهای جهانی منجر می‌شود. همچنین بورس‌های کالا با فراهم ساختن مکانی برای تجمع و تقابل عرضه و تقاضا در یک چارچوب نظام‌مند، موجب ساماندهی مبادلات، ایجاد صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس، تقویت اطلاع‌رسانی در خصوص قیمت و کیفیت کالاها و در نتیجه توسعه بازارها و مبادلات نقدی می‌گردند.

۴-۵) تسهیل تأمین منابع مالی و تقویت سرمایه‌گذاری و تولید: یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده توان یک واحد تولیدی در استفاده از منابع مالی در

بازارهای پول و سرمایه، وضعیت مالی بنگاه و اطمینان از سودآوری طرح‌های تولیدی آن می‌باشد. فعالیت واحدهای تولیدی در بورس‌های کالا، افزایش اطمینان صاحبان منابع مالی نسبت به سودآوری طرح‌های سرمایه‌گذاری را به دنبال دارد که خود منجر به کاهش هزینه‌های استقراض بنگاه‌ها می‌شود. به عبارت دیگر، تمایل بانک‌ها و دیگر نهادهای مالی در اعطای اعتبارات به بنگاه‌های اقتصادی، به میزان اطمینان آنها نسبت به توانایی بنگاه‌ها در بازپرداخت تسهیلات دریافتی بستگی دارد.

یکی از عوامل اصلی در تعیین سودآوری بنگاه‌ها، وجود اطمینان نسبت به قیمت نهاده‌های مورد نیاز برای تولید و قیمت محصولات تولید شده در آینده می‌باشد. با اطمینان نسبت به این قیمت‌ها، امکان برآورد هزینه‌ها و پیش‌بینی درآمدها با درصد احتمال وقوع بالا وجود دارد که این موضوع خود می‌تواند موجب حصول اطمینان از حسن عملکرد و سودآوری بنگاه‌ها و طرح‌های سرمایه‌گذاری شود. لذا تأمین کنندگان منابع مالی برای اعطای تسهیلات به بنگاه‌هایی که نهاده‌های مورد نیاز تولید خود را از بورس‌های کالا و با قیمت‌های از پیش تعیین شده خریداری کرده و یا محصولات تولیدی خود را در این بورس‌ها و با قیمت مشخص می‌فروشند، تمایل بیشتری دارند. بدین ترتیب، بنگاه‌های تولیدی می‌توانند با فعالیت در بورس‌های کالا وضعیت خود در بازار اعتبارات را بهبود داده و هزینه‌های تأمین مالی طرح‌های تولیدی خود را کاهش دهند.

۴-۶) کمک به کاهش فقر و نابرابری در جامعه: بورس‌های کالا به طور مستقیم و غیر مستقیم در بهبود توزیع درآمد و کاهش فقر مؤثرند. امکان دسترسی تولیدکنندگان و کشاورزان خرد به بورس‌ها به عنوان بازار مستقیم مبادله محصولات، سهم تولیدکنندگان و کشاورزان خرد از ارزش تولیدات را افزایش و توزیع درآمد بین سطوح مختلف جامعه را بهبود می‌دهد. اهمیت نقش

بورس‌های کالا در کاهش نابرابری‌های اقتصادی تا آنجاست که اذعان شده است این بورس‌ها می‌توانند کشاورزان و تولیدکنندگان کوچکی را که در خلال قرن بیستم با کمک‌های دولتی و بین‌المللی فراوان حمایت شده‌اند، تنها در طول عمر یک نسل از فقر رهایی بخشند^۱.

گذشته از اثرات مستقیم فعالیت بورس‌های کالا بر کاهش فقر و نابرابری، اثرات مثبت این فعالیت بر تولید و سرمایه‌گذاری، جلوگیری از ورود زیان‌های غیرمنتظره در تولید با فراهم ساختن ابزارهای مدیریت ریسک و به طور کلی کمک به افزایش امنیت و ثبات اقتصادی، منجر به تسریع در فرآیند رشد اقتصادی شده و توان اقتصاد در کاهش نابرابری‌ها و بهبود توزیع درآمد را افزایش می‌دهد.

۴-۷) کمک به توسعه فن‌آوری‌های نوین: برای استقرار انواع معاملات در بورس‌های کالایی به ایجاد و توسعه زیرساخت‌ها و فن‌آوری‌های مختلف نیاز است که از آن جمله می‌توان به توسعه شبکه ارتباطات و مخابرات، گسترش شبکه معاملات الکترونیکی، بهبود سیستم‌های انبارداری، توسعه فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات و... اشاره کرد. لذا توسعه فعالیت بورس‌های کالا با ایجاد پیشرفت‌های قابل ملاحظه در فن‌آوری‌های نوین همراه است که این امر به نوبه خود ارتقاء کارایی سیستم‌های اقتصادی را به دنبال دارد.

۵- جمع بندی و سخن آخر

نوسان قیمت کالاها یکی از ویژگی‌های بارز اقتصاد جهان طی دهه‌های اخیر به شمار می‌رود و مقابله با اثرات منفی این نوسان‌ها هم اکنون بیش از پیش مورد توجه است. تجربیات موجود ناکارآمدی روش‌های سنتی را که بر دخالت دولت یا سازمان‌های بین‌المللی متکی هستند، در موارد متعدد نشان داده

1 - Young و Patrick L. (2007)

است. هزینه‌های بالای اجرای این روش‌ها و وجود برخی ناسازگاری‌های درونی در آن‌ها اصلی‌ترین دلیل عدم موفقیت روش‌های سنتی مدیریت ریسک ناشی از نوسان قیمت‌ها محسوب می‌شود و امروزه استفاده از آن‌ها تنها در موارد معدود و شرایط خاص توجیه پذیر است.

مروری بر تجارب جوامع مختلف طی دهه‌های اخیر، حاکی از توجه روزافزون به ابزارهای مبتنی بر بازار در مدیریت ریسک ناشی از نوسان قیمت‌ها می‌باشد. روش‌های مبتنی بر بازار که به طور خاص شامل استفاده از قراردادهای آتی و اختیار در بورس‌های کالا هستند، امکان مدیریت ریسک ناشی از نوسان قیمت‌ها را با کارایی قابل توجهی فراهم می‌کنند. بورس‌های کالا خدمات ارزنده دیگری از قبیل: کشف قیمت، کاهش نابرابری‌های اقتصادی، کمک به دولت در جهت اتخاذ سیاست‌های صحیح اقتصادی، توسعه بازارهای فیزیکی کالاها، تسهیل تأمین مالی طرح‌های تولیدی و تقویت سرمایه‌گذاری و تولید را نیز به جامعه ارائه می‌دهند. تا قبل از گسترش فعالیت بورس‌های کالا، امکان ارائه بسیاری از این خدمات علیرغم صرف هزینه‌های بسیار، به نحو کارآمد وجود نداشت.

با توجه به اهمیت روزافزون بورس‌های کالا در اقتصاد امروز جهان و خدمات بی‌بدیلی که این نهادهای مهم اقتصادی در جهت رشد و توسعه اقتصاد ارائه می‌کنند، بسیاری از کشورهای در حال توسعه به صورت جدی ایجاد و گسترش بورس‌های کالا را مورد توجه قرار داده‌اند. لیکن با در نظر داشتن وسعت حوزه عملکرد این بورس‌ها، راه‌اندازی و توسعه آن‌ها تنها با اراده و عزم قانونگذاران، دولتمردان و فعالان اقتصادی به منظور فراهم ساختن بستر فعالیت و حمایت از توسعه بورس کالا در یک کشور میسر خواهد شد.

توسعه بورس‌های کالا در هر کشور تابع عوامل بسیاری است که تنها بخشی از آن‌ها در حوزه اختیارات و تصمیم‌گیری‌های بورس‌ها قرار دارد.



به عبارت دیگر، عوامل اثرگذار بسیار مهمی از جمله زیرساخت های قانونی، فرهنگی، تکنولوژیکی و همچنین سیاست های اقتصادی دولت در خارج از حوزه اختیارات بورس تعیین می شوند. لذا موفقیت یک کشور در ایجاد و توسعه این نهادهای اقتصادی و در نتیجه بهره مندی از خدمات ارزنده آن ها، تا حد زیادی تابع جهت گیری های کلان اقتصادی و ملی آن کشور است.

در اقتصاد ایران نیز با فراهم شدن الزامات قانونی در برنامه های سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، زمینه برای ایجاد و گسترش بورس های کالایی در کشور مهیا شد. بورس فلزات تهران در سال ۱۳۸۲ و بورس کالاهای کشاورزی ایران در سال ۱۳۸۳ تشکیل گردیدند و به دنبال تصویب قانون جدید بازار بورس و اوراق بهادار، در آذرماه ۱۳۸۴ موجبات تأسیس بورس کالای ایران (با ادغام شدن بورس های فلزات و کشاورزی) فراهم شد که از ابتدای مهرماه ۱۳۸۶ فعالیت خود را به طور رسمی آغاز کرد. بورس کالای ایران (و قبل از آن بورس های فلزات و کشاورزی) در طول دوره فعالیت خود منشأ اثرات مثبت بسیاری از جمله کاهش رانت های اقتصادی، ایجاد شفافیت و امنیت در بازار کالاهای مورد مبادله، ساماندهی بازارهای فیزیکی، تشویق سرمایه گذاری در بخش خصوصی و... بوده است.

در شرایط کنونی که جهت گیری های کلی اقتصاد کشور در قالب سند چشم انداز، برنامه های توسعه و طرح تحول اقتصادی به سمت کاهش تصدی گری دولت، آزادسازی اقتصاد و فراهم ساختن فضای کسب و کار برای فعالیت بخش خصوصی می باشد، اصلاح و توانمند ساختن بازارها به عنوان سازوکار اصلی شکل دهی و مبادله کارآمد منافع اقتصادی، از اساسی ترین اولویت های اقتصاد کشور می باشد. بدون وجود بازارهای شفاف، قانونمند و رقابتی که هزینه های مبادله را برای فعالان اقتصادی کاهش داده و امکان پوشش ریسک را فراهم نمایند، کاهش نقش دولت و اعمال سیاست های آزادسازی اقتصادی موفقیت



آمیز نخواهد بود. به بیان دیگر، یکی از ملزومات بديهی جهت کاهش تصدی‌گری و حجم دولت در اقتصاد، وجود بازارهای کارآمد به عنوان نهادهایی است که مسوولیت نظم بخشیدن به مبادلات و جهت دهی صحیح تولید و سرمایه‌گذاری را برعهده بگیرند. بدین ترتیب، گسترش فعالیت‌های بورس کالا و تنوع بخشی به ابزارهای معاملاتی مورد استفاده در آنها یکی از حلقه‌های اصلی در فرایند آزادسازی اقتصاد و رونق بخشیدن به سرمایه‌گذاری و تولید محسوب می‌شود.



منابع و مأخذ:

۱. درخشان، مسعود؛ مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت؛ موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، ۱۳۸۳.
۲. شرکت اطلاع‌رسانی بورس تهران؛ مجموعه قوانین و مقررات بازار سرمایه ایران، ۱۳۸۶.
۳. هال، جان؛ مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک؛ ترجمه سجاد سیاح و علی صالح آبادی؛ شرکت کارگزاری مفید، ۱۳۸۴.
4. Donald F. Larson, Panos Varangis and Nanae Yabuki, COMMODITY RISK MANAGEMENT AND DEVELOPMENT, Roundtable Discussion on New Approaches to Commodity Price Risk Management in Developing Countries, Washington, April 1998.
5. Patrick L. Young, The Exchange Manifesto, Derivatives Vision Press, May 2007.
6. Report of the United Nations Study Group on Emerging Commodity Exchanges, Development Impacts of Commodity Futures Exchanges in Emerging Markets, September 2007, A United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD) publication, sponsored by Multi Commodity Exchange of India Ltd (MCX).





